حساب جُمّل در ادبیات و تاریخ ۲

محمد امین سلطان القرّائی

شیخ بهایی علیه الرحمه در اول کتاب جامع عباسی که آن را به نام «شاه عباس» تألیف نموده جمله‌ای گفته که از آن نام «شاه عباس» کشف و ظاهر می‌شود و عبارت آن این است که: اسم اشرفش «یعنی شاه عباس» از بیّنات (خَلّدَ اللهُ مُلکَهُ) ظاهر و هویدا است. حروف عبارت «خَلّدَ اللهُ مُلکَهُ» به ترتیب عبارتنداز: خا، لام، دال، الف، لام، لام، ها، میم، لا م، کاف و ها. که به ترتیب بیّنات آنها عبارتنداز: ا- ام- ال- لف- ام- ام ا- یم- ام- اف- ا. که ارزش آنها با حساب جُمّل خواهد بود:

۴۳۹=۱+۸۱+۱+۵۰+۴۱+۱+۴۱+۱۱۰+۳۱+۱۱۰+۴۱+۱ که مجموع شماره بیّنات یعنی ۴۳۹ برابر ارزش زُبُر نام «شاه عباس» با حساب ابجد نیز است که آنهم ۴۳۹ است:

۴۳۹=۳۰۰+۱+۵+۷۰+۲+۱+۶۰

موضوع یاد شده را شیخ بهایی با ابیاتی چند بدین صورت بیان نموده است:

شاه عباس خسرو ایران
تاج بخش شهان و شاه جهان
حق نمود اندرین خجسته لقب
نکته‌ای بس عجیب و رمز عجب
که چون این نام بر زبان رانند
(خَلّدَ اللهُ مُلکَهُ) خوانند
بیّنات و زُبُر اگر دانی
یابی این نکته را به آسانی
تا ابد مُلک مُلک شاه من است
بیّنات و زُبُر گواه من است

مرحوم محمد باقر خلخالی نیز به طریقه زُبُر و بینات تاریخ کتابت منظومهٔ ثعلبیّه‌اش را بیان نموده است. وی در آخر آن منظومه ابیاتی را تحت عنوان خاتمه کتاب آورده است، به شرح زیر:

بحمدالله کتاب ثعلبیّه

تمام اولدی عجب شیرین قضیّه
عوام النّاسه یازدوم بو کتابی
موجّه اونلارا قیلدیم خطابی
دیوب چوخ مضحکه اتتدیم ظرافت
اونون ضمنینده هم یازدیم نصیحت
نه چون کی خلقه حق آجی گلوبدور
ظرافت سوزلری شیرین اولوبدور
قاریشدیردیم ایکیسین گلدی حاله
یتیشدی منتهای اعتداله
بو خدمتدن صورا گر مرد بدخواه
تعرض ایلسه الحکم لله
خبر آلسا بیری آدیمی بالفرض
اوزوم اوز آدیمی قوی ایلیوم عرض
«فنون معرفت دن خالیم من»
محمد باقر خلخالیم من»
(۱۳۰۵ ق)

بو فردین آخرین نظم صوابی
بیان ایلوبدی تاریخ کتابی

بیّنات بیت ما قبل آخر حاوی سال ۱۳۰۵ قمری، تاریخ کتابت ثعلبیّه می‌باشد که حقیقتاً مرحوم محمد باقر خلخالی در ابداع و انشای آن اعجاز نموده است. محاسبه تاریخ آن آورده می‌شود:

حروف مصراع اول بیت ماقبل آخر به ترتیب عبارتند از:
فا، نون، واو، نون، میم، عین، را، فا، تا، دال، نون، خا، الف، لام، یا، میم، میم، نون.

که به ترتیب بینات آنها عبارت خواهند بود از:
۱- ون- او- ون- یم- ین- ا- ا- ا- ال- ون- ا- لف- ام- ا- یم- یم- ون.
و به ترتیب ارزش عددی آنها با حساب جُمّل برابر خواهد بود:
۶۲۹=۵۶+۵۰+۵۰+۱+۴۱+۱+۱۱۰+۱+۱+۱+۳۱+۵۶+۱+۱+۱+۵۶+۵۰+۵۶+۱+۵۶+۷+۵۶+۱+۵۶

و همینطور، با عمل کردن به طریق فوق ارزش‌های بیّنات حروف مصراع دوم بیت مزبور به ترتیب زیر محاسبه می گردد:
۶۷۶=۵۶+۵۰+۵۰+۱+۴۱+۱+۱۱۰+۱+۱+۸۱+۱+۱+۱۱۰+۳۱+۱+۵۰+۱+۵۰

و مجموع ارزش‌های عددی دو مصراع آن بیت، سال ۱۳۰۵ قمری، سال کتابت مثنوی ثعلبیّه توسط مرحوم محمد باقر خلخالی می‌باشد:
ق ۱۳۰۵= ۶۷۶ +۶۲۹

به طریقه فن زُبُر و بیّنات مذکور، بیتی توسط نگارنده ساخته شده است که از طریق آن فن، بیانگر سال ۱۳۸۷ شمسی، سال وفات مرحوم صمد سرداری نیا می‌باشد و ابیاتی چند نیز بر آن به وسیله محرر این سطور پردازش شده است به شرح زیر:

دریغا تاریخین سرداری گتدی
گول اوْلدی بولبولون بازاری گتدی
دریغا گتدی اول سردار تاریخ
بو یانمیش آل قانیله دار تاریخ
او کی تاریخ یازاردی، روزگارین
یازیلدی تاریخی، تاریخ نگارین

امینم گوز یاشیله یاز سوزون سن
اورک سیزلار سادا کؤرون اوْزون سن
سوروشسا سوْنمه بین شمع حیاتین
بودور کی گوستریر سال وفاتین
«صمد گرگتدی الدن سویله هیهات
او علمون دفتری، تاریخه مرآت»
(۱۳۸۷ ش)

بوصون بیتین حساب بیّناتی
عیان ایلوبدی تاریخ وفاتی

بیّنات بیت ما قبل آخر همانطوریکه از فحوای کلام شعر نیز برمی آید، روشنگر تاریخ یاد شده می باشد. بنابر این با استفاده از عملکرد طریقه زُبُر و بیّنات که شرح آن گذشت، ارزش های بیّنات حروف مصراع اول بیت ما قبل آخر را که حاوی تاریخ است به ترتیب آورده و مجموعشان را محاسبه می‌کنیم:
(حرف گاف هم ارز کاف می‌باشد.)

۵+۵۰+۳۱+۸۱+۱+۸۱+۱+۳۱+۱+۱۱۰+۴۱+۵۶+۳۱+۶۰+۷+۱+۴۱+
۱+۱+۱+۱۱۰+۱=۷۴۴

و به همان طریق، ارزش‌های بیّنات حروف مصراع دوم آن بیت به ترتیب زیر است:

۶۴۳=۱+۱۱۰+۱+۵۰+۱+۱+۱+۱+۱+۱۱۰+۱+۱+۳۱+۱+۱+۵۶+۵۰+۷+۵۶+۶۰+۴۱+۵۰+۷+۶۰+۱۱۰

و مجموع ارزش های عددی دو مصراع بیت ما قبل آخر، از طریق فن زُبُر و بیّنات نشانگر سال ۱۳۸۷ شمسی، سال وفات مرحوم صمد سرداری نیا می‌باشد:
ش ۱۳۸۷= ۶۴۳+ ۷۴۴

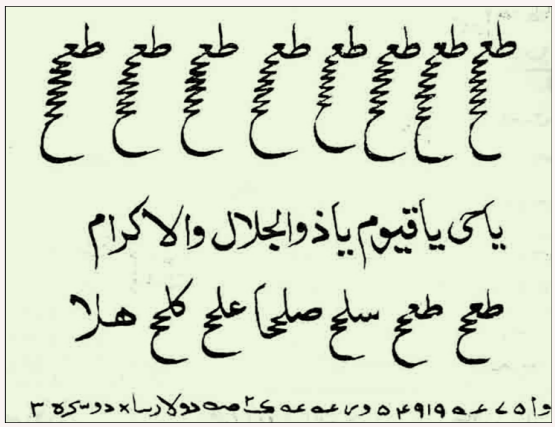

همین طور مصراع «الهی عشق دریاسندا غواص اولدو راجی»، از طریق فن زُبُر و بیّنات یاد شده، حاکی و روشنگر سال ۱۲۹۳ ق.، سال وفات حاج میرزا ابوالحسن «راجی» تبریزی می باشد که بوسیله نگارنده ساخته شده و ابیاتی چند بر آن پرداخته شده است که مقطع آن چنین است:

امین یازدی وفاتین تاریخینی بیّنه . یله
«الهی عشق دریاسندا غواص اولدو راجی»

ق ۱۲۹۳= ۱-۱۲۹۴

از استادانی که در فن حساب جُمّل مهارت زیاد داشته‌اند، یکی محمد صادق ناطق متخلص به اصفهانی است. که به نوشته مجمع الفصحاء در سنه ۱۲۳۵ ه. ق فوت کرده است. ماده تاریخهایی که وی گفته اغلب قصاید و هر مصرع آنها مادّه تاریخ هستند و واقعاً سحر و اعجاز کرده است. از جمله قصاید او که هر مصرعش مادّه تاریخ است، یکی قصیده‌ای است که در تذهیب گنبد و مناره‌های بقعه حضرت معصومه (س) در قم از طرف فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۸ ه. ق انجام گرفته، گفته است. این قصیده ۶۲ بیت دارد که یک صد و بیست و چهار مصراع می‌شود و هر مصراع آن تاریخ است. که یک صد و بیست و چهار تاریخ می‌شود. عجب‌تر آنکه این عبارات که در اول قصیده ثبت نموده نیز تاریخ ۱۲۱۸ ه. ق هستند:

(بسم‌الله‌الرحمن الرحیم باسم موجود کریم) ۱۲۱۸ ه. ق
(این قصیده مسما بقصیده معجزیّه است) ۱۲۱۸ ه. ق
(شصت و دو بیت) ۱۲۱۸ ه. ق
(و یک صد و بیست و چهار مصرع) ۱۲۱۸ ه. ق.

دو بیت از مطلع قصیده چنین است:
این قبّه، گلبنی است بزیور بر آمده (۱۲۱۸ ه. ق)
یا پاک گوهری است پر از زیور آمده (۱۲۱۸ ه. ق)
این دوحه ایست کامده از جنّت العلا (۱۲۱۸ هق)
یا کوکبی است سعد و منّور بر آمده (۱۲۱۸ ه. ق)

یکی دیگر از استادان این فنّ فتح‌الله متخلص به خرّم کردستانی است که قصیده‌ای در بنای مسجد جامع کردستان گفته که تمام مصرعهای اول ابیات آن ۱۲۲۷ ه. ق سال آغاز و کلیه مصرعهای دوم ابیات ۱۲۲۸ ه. ق سال اتمام بنای مسجد است. این قصیده بیش از سی بیت دارد که سه بیت از آن آورده می‌شود:

منت ایزد را ز عدل والی ایّام شد (۱۲۲۷ ه. ق)
این همایون سرزمین بس به ز فردوس برین (۱۲۲۸ ه. ق)
کرد از عون و عنایتهای ربّانی بنا (۱۲۲۷ ه. ق)
مسجدی و مدرسی در این ملطف سرزمین (۱۲۲۸ ه. ق)
باد خرّم از عطای و لطف یزدانی مدام (۱۲۲۷ ه. ق)
بر علوّ همت و اعطاء والی، آفرین (۱۲۲۸ ه. ق)

از دیگر استادان فن حساب ابجد که مهارت زیاد داشت. میرزا اسماعیل خان تفرشی متخلص به «دبیر» متوفی به سال ۱۳۲۲ ه. ق است. او در این علم کتابی جامع به نام (نخبه التواریخ) دارد، که از آغاز اسلام تا سلطنت مظفرالدین شاه قاجار به نظم و نثر ماده تاریخ گفته است. از جمله در قتل ناصرالدین شاه قاجار گفته است: (هفدهم روز ماه ذیقعده) که به حساب ابجد سال ۱۳۱۳ ه. ق می‌شود. البته بسیار خوب گفته، زیرا که در این تاریخ علاوه بر سال، ماه و روز را نیز معین نموده است.

برخی از شعرای معاصر نیز بر این فن دست یازیده اند. به ذکر نمونه هایی از آنها می پردازیم.آقای محمد حسن کاردان شیرازی در تاریخ ملی شدن نفت، این قطعه تاریخی را بیان نموده است:

منّت ایزد را که ملّی گشت نفت
دور استعمار و بدبختی، برفت
تا به کی از مال قومی ژنده پوش
لُرد پوشد جامه زرینه بفت

بود تا آن قید، اسارت سخت تر
تابه دندان بشکنی پولاد تفت
همّت مردانه کوه از جا کند

حل کند همت چنان اشکال زفت
آهنین بازوی ملّت، عاقبت

حق خود را از کف غاصب گرفت
چونکه از حق خواستم، تاریخ آن
بانگ غیبی گفت: «ملی گشت نفت»
(۱۳۳۰ ه. ش)

در تاریخ بنای دانشسرای پسران تبریز، استاد جلال همائی، قصیده و مادّه تاریخی گفته که چند بیت از مطلع و مقطع آن آورده می‌شود:

ساحت مشکوی این دانشسرا
مشک افشان و عبیر آمیز باد
از سموم جهل و آفات خزان
بر کنار این گلبن نو خیز باد
دانش آموزانش را دامان پاک
از خطای جهل در پرهیز باد
ساغر دولت به کام عشرتش
دایم از دور فلک لبریز باد
زنده از دانشسرا، تبریز کرد
زنده نامش تا به رستاخیز باد

از همائی خواستم تاریخ، گفت:
«زنده از دانشسرا تبریز باد»
۱۳۱۶ ه. ش

در تاریخ اتمام بنای مدرسه شبستر، به نام «گلشن راز»، محمد علی صفوت از ادبا و فضلای تبریز، این قطعه را گفته است:

دمیده گشت روح دانش اندر پیکر کشور
که تن را زندگی آری به نیروی روان گردد
چو مرآت جمال حق بود دانش، روا باشد
که بستایند در هر محفل، او ورد زبان گردد
پی تاریخ این کاخ تمدن، خامه صفوت
بدینسان زد رقم کان یادگار هر زمان گردد
مدد از باطن شیخ شبستر شد، قلم بنوشت:
«سرای دانش و فرهنگ الها جاودان گردد»
۱۳۱۷ ه. ش

امروزه در محله قدیمی شتربان تبریز، شاعر گرانمایه‌ای زندگی می‌کند که در گفتن مادّه تاریخ اهتمام زیاد نموده و فن در محاق مانده حساب جُمّل را ترویج کرده است. او استاد علی نظمی است که در اول مهرماه ۱۳۰۶ شمسی در تبریز چشم به جهان هستی گشود. استاد نظمی مؤلف تذکره دویست سخنور است و همچنین دیوان شعری دارد که چندین بار چاپ شده است. اشعار نغز و مواد تاریخ محکمی دارد. خود در این مورد می گوید:

تاریخ کسان ز طبع من باید جست
بس گفت از این دست وبسی خواهد گفت
تاریخ وفات دیگران من گفتم
تاریخ مرا تا چه کسی خواهد گفت؟

و از آن جمله است که در تاریخ وفات استاد محمد حسین شهریار گوید. چند بیت از ابتدا و انتهای آن نقل می‌گردد:

ای دریغا! رفت ازین شهر و دیار
شاعر فحل الفحول روزگار
در دیار نکته پردازی امیر
بر سریر طرفه گوئی شهریار
در لطافت شعر وی سحر حلال
در ظرافت کلک او معجز نگار
نام عالمگیر وی پاینده است
گرچه بود ایام او ناپایدار
در جهان پیوسته حاجتمند بود
یارب! آنچا حاجت او را برآر
از گذشت خویش نومیدش مکن
در پناهت آمد او امیدوار
شهریار، آن کاروان سالار شعر
تا که از تبریز ما بربست بار
گفت نظمی از پی تاریخ وی:
«شهر ما اینک بود بی شهریار»
۱۳۶۷ ه. ش

همچنین در تاریخ وفات «پژمان بختیاری» چنین گفته است:

«پژمان» سخن سنج سخندان، ناگه
کرد از دنیا به جانب عقبی ره
آن سوخته شاعری که در ماتم وی
چرخ از سر خویشتن برافکند کله
یک فرقه ز دوریش کند خاک به سر
یک دسته زماتمش کند جامه سیه
سالار سخنوران که در ملک ادب
عمری دگران سپاه بودند، او شه
استاد و سخن شناس و مضمون پرداز
فرزانه ورّاد و قابل و کار آگه
«نظمی» به چنین بلند طبعی، باشد
از وصف کمال او، زبانم کوته
جستم چو ز روز و ماه و سال فوتش
گفتند که: «شنبه دوم آذر مه»
۱۳۵۳ ه. ش

ملاحظه می‌کنید که عبارت (شنبه دوم آذر مه) استادانه گفته شده است، چه هم حاکی روز و ماه است و هم از حساب جُمّل بیانگر سال وفات حسین پژمان بختیاری است.

فن حساب ابجد مانند اکثر فنون و صنایع بدیعی و ادبی در پهنه تاریخ دچار تحول و فرود و فرازهایی شده است. اما به طور کلی با گذشت زمان این چشمه جوشان از رونق افتاده و ستاره افول آن در دور دورهای افق سوسو می‌زند. خصوصاً با ظهور فناوریهای نوین، بسیاری از فنون قدیم به وادی فراموشی سپرده شده‌اند، که صد البته تحولات عظیم و لحظه‌ای علوم و فنون و تأثیرات شگرف آن در زندگی جوامع بشری بر کسی پوشیده نیست. لکن فنون و دانسته‌های پیشینیان زیربنای فرهنگ و مدنیت یک ملت را می‌سازند و چه خوب است که ضمن احیاء، ترویج و شناساندن آنها به نسل جدید، در تجلی و بهینه سازی و تلفیق آنها با علوم و فنون و نوآوریهای روز بکوشیم، که به قول شیخ اجل سعدی شیرازی:

کهن جامه خویش آراستن
به از جامه عاریت خواستن

پایان

منابع و مآخذ:
۱- نخجوانی، حاج حسین. (۱۳۴۳). موادّ التّواریخ.
۲- تفرشی، میرزا اسماعیل خان. نسخه خطی، نخبه التّواریخ.
۳- دواوین شعرای مختلف.
۴- اطلاعات و یادداشت های شخصی